

## قدرت نرم سیاسی و فرهنگی امویان

رضا فرامرزنسب<sup>۱</sup>

زهرا احمدی<sup>۲</sup>

چکیده:

سیاست و قدرت نرم به دو شیوه می باشد؛ یکی ممدوح که مورد تایید اسلام است ( هدایت و ارشاد الهی) و دیگری مذموم ( اغوای شیطانی و با تزویر ) که از نظر اسلام مردوداست . امویان از قدرت نرم به خوبی بهره بردند . آنان سیاست دوم قدرت نرم را انتخاب کردند. آنها می دانستند که همیشه سیاست ها و قدرت سخت کار گشا نیست بلکه روش نرم سیاسی و فرهنگی ظاهر فریب برای جامعه نو پای اسلامی که خود را پایبند اسلام نشان می داد بهترین روش می باشد . روش های نرم سیاسی که در پیش گرفتند باعث رسیدن آنها به خواسته هایشان گردید .

سیاست بازگشت خزنده به قدرت، انتقال مرکز قدرت به شامات که بیشتر اهالی آن از اسلام حقیقی به دور بودند، سوء استفاده از مفاهیم دینی ، جعل حدیث و روایت در جهت منافع سیاسی خود ، ترور شخصیت و تخریب رقبای خود از نمونه هایی سیاست های نرم مزورانه آنها بود .

در این مقاله پژوهشگر سعی دارد با شیوه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر تتبع در کتب تاریخی سیاست های نرم امویان را که نقش اساسی در موفقیت آنها جهت رسیدن به اهدافشان داشت بررسی و تبیین نمایند .

**کلید واژه :** قدرت نرم ، معاویه ، تاریخ اسلام ، امویان .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دکتری تاریخ و تمدن اسلامی ، مدرس دانشگاه فرهنگیان شیراز ، ایران .

Reza.f2018@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد ادبیات فارسی ، دبیر آموزش و پرورش ، شهرستان مهر . ایران

**مقدمه:**

قدرت نرم از لحاظ زمانی و تاریخی قدمت بسیار زیادی دارد که به تاریخ پیدایش انسان و فرهنگ انسانی می‌رسد. انسانها در زندگی برای رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های سخت و درشت یا شیوه نرم بهره می‌برند. حکومت‌های مختلف در طول تاریخ برای رسیدن به اهداف و حفظ و ماندگاری حکومتشان از ابزار قدرت نرم استفاده می‌کرده‌اند.

در تاریخ حکومت‌ها روش‌هایی که حکایت از به کارگیری قدرت نرم باشد فراوان به چشم می‌خورد. جمهوری قانونی وضع می‌کند و دستوراتی در آن ثبت می‌گردد که به عدالت و آزادی میان مردم تاکید شده است. این خود نشان از قدرت نرم دارد. کورش کبیر زمانی که با بابلیان بر خورد می‌کند، به یهودیان آزادی‌هایی عنایت می‌کند که حکایت از قدرت نرم جهت پیشبرد اهدافش دارد. همه حکومت‌ها برای رسیدن به اهداف خود همیشه از قدرت سخت استفاده نمی‌کردند بلکه گاهی از قدرت نرم بهره می‌برند و از این طریق بهتر به هدف خود می‌رسیدند.

در سال‌های اخیر در مورد قدرت نرم دو دیدگاه وجود دارد:

الف: عده‌ای پرفسور حمید مولانا را نظریه پرداز قدرت نرم می‌نامند، البته خودش نیز ادعایی دارد که آنرا در سال ۱۹۸۶ میلادی در کتاب اطلاعات و ارتباطات جهانی، مرزهای نو در روابط بین الملل، با عنوان قدرت نامحسوس مطرح کرده است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴)

ب: عده‌ای جوزف نای را با عنوان نظریه پرداز اصلی این دیدگاه معرفی می‌کنند و او اولین فردی می‌دانند که قدرت نرم را مفهوم سازی کرده است و این شیوه را وسیله‌ای برای رسیدن حکومت‌ها به اهدافشان می‌داند. (نای، ۱۳۸۹: ۴۷) نظر غالب اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین الملل این است که جوزف نای طراح نظریه قدرت نرم است و او کسی است که این نظریه را مفهوم سازی کرده و در کتاب خوب به تبیین آن پرداخته است.

**تعریف قدرت نرم**

قدرت نرم در مقابل قدرت سخت قرار دارد. تعریف آن چنین است:

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به علایق دیگران و هدایت رفتار آنها بدون استفاده و بهره گرفتن از زور. برخی نیز قدرت نرم را توانایی کسب چیزی از طریق جذب به جای اجبار مطرح می‌کنند. (نایینی، ۱۳۹۴: ۷۱)

قدرت نرم عبارت است از توانایی تغییر یا شکل دادن اولویت‌های دیگران تا براساس آنچه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند. پس قدرت مربوط به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند نتایج دلخواه را می‌گیرند. چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنها برای دیگران جذابیت دارد.

در این شیوه از اعمال قدرت از طریق زور و اجبار خبری نیست و تحکم و زورگویی ظاهری احساس نمی‌شود. بلکه یک کشور یا گروهی برای اینکه کشوری دیگر تابع آنها شود و بر اساس منافع آنها عمل

نماید از ابزارهای تشویقی (هویج) استفاده می نماید. بر خلاف قدرت سخت که از ابزارهای تهدید آمیز (چماق) استفاده می شد.

### قدرت نرم ازدیدگاه قرآن

در آیات قرآن کتاب دینی مسلمانان به مواردی اشاره شده است که از قدرت نرم حکایت دارد. براساس شیوه نرم و برخورد های اخلاقی و انسانی رسول خدا(ص) بود که اسلام روز به روز گسترش یافت و بریاران و همراهان آن افزوده گردید.

در قرآن آیات متعددی به این روش اشاره دارد:

در سوره بقره آیه ۲۵۶ می فرماید:

"لااکراه فی الدین قدتبین الرشدمن الغی."

هیچ اجباری در دین نیست و راه از بیراهه مشخص شده است.

در این آیه قرآن با صراحت اعلام میکند که در پذیرش دین اجباری وجود ندارد و هرکس آزاداست بدون اکراه و اجبار دین مسیر خود را انتخاب نماید که شیوه ای نرم برای پذیرش و دعوت به اسلام است.

در سوره نخل آیه ۱۲۵ خداوند روش های دعوت را بیان می نماید:

"ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه وجادلهم ..."

دعوت کن به سوی راه پروردگارت با حکمت و موعظه (پند) نیکو و جدل...

در این آیه نیز به روش های نرم جهت دعوت الهی و پذیرش آن توسط مردم توصیه شده است و از رسول خدا (ص) خواسته است که در دعوت مردم از این سه روش بهره گیرد.

در سوره زمر آیات ۱۷ و ۱۸ می فرماید:

"عبادی الذین یسمعون القول قیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله واولئک هم اولوالباب"

در سوره آل عمران آیه ۱۵۱ می فرماید:

"فبما رحمته من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب من حولک فاعف عنهم واستغفر لهم و

شاورهم فی الامر."

ای رسول خدا، نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری: به موجب لطف و رحمت الهی تو برایشان نرم دل شدی که اگر تند خوی سخت دل بودی از اطرافت پراکنده می شدند پس از آنها در گذر و برای آنها آموزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن.

در سوره طه آیه ۴۴ می فرماید:

اذهبأ الی فرعون انه طغی فقولأ له قولأ لینأ لعله یتذکرأوبخشی."

به سوی فرعون بروید که او طغیان کرده است اما به نرمی سخن بگوئید شاید متذکر شود و از خدا

بترسد.

در این ایه خداوند به حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) می‌فرماید برای اینکه نفوذ کلام بیشتر شود و مخاطب احساس کند که شما قصد خیر خواهی او را دارید با او به نرمی سخن بگویید.

در سوره احزاب آیه ۷۰ می‌فرماید:

یاایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً<sup>۱۱۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگوئید.

در سوره اسراء آیه ۲۸ می‌فرماید:

و اما تعرض عنهم ابتغاء رحمته من ربك ترجوها فقل لهم قولا میسوراً.<sup>۱۱۲</sup>

و هرگاه از آنان (مستمندان) روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی با گفتار نرم و

امیخته با لطف با آنها سخن بگو.

در سوره نساء آیه ۹ می‌فرماید:

فلیتقوا الله ولیقولوا قولا سدیداً.

پس باید بترسید از مخالفت با خدا و سخنی استوار بگوئید.

در قرآن کریم خداوند بر گفتار و رویش نرم تأکید بسیار زیادی دارد. روش خداوند که با گفتار و

قدرت نرم مبتنی بر ارشاد تأکید دارد با عبارتی مانند قولا لینا، قولا معروفا، قولا میسورا، قولا لینا و احسن القول

آمده است که برای استفاده قدرت نرم در راستای امور الهی و خدایی می‌باشد؛ نه بر اساس امور شیطانی و

فریبکارانه که بعضی از حاکمان زور گو برای حفظ قدرت خود از آن بهره مند می‌گردند.

از دیدگاه اسلام قدرت نرم مولفه‌هایی دارد که منشاء و خاستگاه آن الهی و آسمانی است. یعنی

اسلام به مولفه‌های مادی قدرت نرم به تنهایی توجه ندارد بلکه به جنبه‌های الهی و آسمانی آن نظر و

توجه دارد. در مکتب اسلام نوع نگاه به قدرت نرم نگاه متعالی و الهی است. دیدگاه اسلام این است که انسان

موجود دوساحتی است، مرکب از جسم و روح می‌باشد که هر دو برای وجود انسان ضروری است و شاید

که روح از جسم مهمتر باشد زیرا با وجدان انسان سروکار دارد. (لکزایی ۶۳: ۱۳۸۹/۶۵) روح انسان اگر به

دلیل بی‌اخلاقی و بی‌عدالتی و عدم صداقت لطمه ببیند خسارت جبران‌ناپذیری برای انسان به همراه

خواهد داشت. اسلام از قدرت نرم بر اساس آیات و روایات دو دیدگاه بیان داشته است:

### الف: قدرت نرم مبتنی بر ارشاد و وحی الهی

این نوع قدرت نرم متجلی در حکومت انبیاء، معصومین، صالحین و تقوای پیشه‌گان است که هدف

آنها هدایت و سعادت مردم می‌باشد و به بهشت منجر می‌شود. در قدرت نرم مبتنی بر ارشاد، رهبری از

چنان جذابیتی برخوردار است که پیروانش با جان و دل دستوراتش را قبول می‌کنند هر چند که مورد

تنبیه و مجازات او قرار گیرند.

### ب: قدرت نرم مبتنی بر اغوای شیطانی

این نوع قدرت نرم بر شیوه های شیطانی و فریبکاری بنا شده است. قدرت نرمی که حاکمان اموی و عباسی از آن بهره می بردند از همین نوع بود. همچنین شیوه های استکباری قدرت های بزرگ نیز از همین نوع و سنخ می باشد.

### قدرت نرم اموی مبتنی بر اغوای شیطانی

حکومت امویان نمونه قدرت نرم مبتنی بر اغوای شیطانی است. امویان در ابتدای بعثت رسول خدا (ص) و ظهور اسلام تا جان در بدن داشتند و اموال در اختیار داشتند در مقابل اسلام مقاومت کردند. (طبری)، بی تا: ۳۹/۵ و نصرین مزاحم، ۱۴۰۴: ۶۳) آنها در مکه به مدت سیزده سال در کنار سایر مشرکین سختی ها و اذیت های زیادی نسبت به رسول خدا (ص) و مسلمانان روا داشتند. پس از هجرت به مدینه نیز در همه جنگ ها علیه رسول خدا (ص) مشارکت فعال مالی و پشتیبانی یا جانی داشتند تا اینکه در ماجرای فتح مکه از روی اجبار اسلام آوردند ولی ایمان واقعی نداشتند (واقعی، ۱۴۰۸: ۱۹۹/۱ - ۳۱۹ - ۴۴۰/۲ - ۴۴۹) حضرت علی (ع) بارها تاکید داشتند که اینها براساس مصلحت اندیشی و از روی اجبار و با اکراه نه از روی انتخاب و اختیار (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸/۲۰/۲۹۸/۲۹۹ و بلاذری، ۱۳۹۹/۴/۱۶۰)

زبیر صحابه رسول خدا (ص) نیز درباره ابوسفیان همین باور را داشت که او حقیقتاً مسلمان نبود و ایمان واقعی نداشت. (اصفهانی، ۱۹۶۳/۶/۳۵۵) در تاریخ آمده است روزی که ابو سفیان بر سر قبر حمزه (رضی الله عنه) آمد با پایش بر زمین کوبید و گفت: خدایت رحمت کند، بر سر چیزی با ما جنگیدی که عاقبت در دست ما قرار گرفت (زمانی این کار را انجام داد که عثمان به خلافت رسیده بود) (توحیدی، بی تا: ۷۵/۲) حضرت علی (ع) قدرت به شیوه نرم چنین معرفی می کند:

معاویه با به کار گیری انواع فریب اغوا و نیرنگ و نگاه به قدرت و دستیابی به حکومت به عنوان طعمه در جریاناتی مانند ماجرای حکمیت تلاش کرد با سیاست فریبکارانه قرآن بر سر نیزه کردن نظرات مردم را به خود جلب کند. همان طور که یک ماهی گیر برای به دام انداختن ماهیان طعمه رابه دریا می اندازد و ماهیان خود به طرف طعمه می روند و به صید ماهی گیر در می آیند. (نهج البلاغه: کلام ۱۹۱)

در راستای عفو عمومی پیامبر در فتح مکه ابوسفیان عفو گردید و خانه او را امن اعلام کردند این در حالی بود که قریشیان بسیار زیاد رسول الله (ص) و مسلمانان را آزار دادند. رسول خدا (ص) به آنها فرمود: شما مردم هموطنان بسیار نامناسبی بودید. مرا تکذیب کردید و از خانه و کاشانه ام بیرونم کردید ولی شما را می بخشم و بند بردگی را از پای شما باز می کنم و اعلام می دارم که آزاد هستید. (طبری، ۲: ۳۲۷/۱۴۰۸) و سبحانی، ۱۳۸۵: ۱/۳۳۷-۳۳۸) ابوسفیان بعد از ورود به اسلام توسط پیامبر (ص) کارهایی نیز به او واگذار شد تا از توطئه های احتمالی آنها جلوگیری گردد.

آنها که به صورت خزنده به دنبال بازیابی قدرت از دست رفته خود بودند. ابتدا بعد از رحلت رسول خدا (ص) با خلافت ابوبکر مخالفت کردند. ابوبکر به پیشنهاد عمر به آنها امتیازاتی داد از جمله زمانی که مصادف با رحلت رسول خدا (ص) ابوسفیان که برای جمع آوری زکات بیرون از مکه بود. وقتی بازگشت به خلافت ابوبکر اعتراض نمود که ابوبکر بنا بر پیشنهاد عمر زکات جمع آوری شده را به خودش بخشید. یا فرزندان یزید و معاویه به عنوان فرماندهان جنگ در مناطق شامات انتخاب شدند. (جاحظ، ۱۹۸۹، ۳۴۴)

معاویه پس از اینکه برادرش یزید فوت کرد در دوره عمر به امارات شامات به طور کامل منصوب گردید (عبدالجبار، بی تا: ۵۹۳) به گونه ای که مورخین از حسن بصری نقل می کنند که معاویه از دوره عمر خود را برای خلافت آماده کرده بود. (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۲۴/۲۵) در زمان شورش علیه عثمان معاویه به شام زمینه برای خلافت خودش فراهم نماید. (ابن اثیر، ۱۹۹۴م: ۱۵۷/۳)

معاویه بعد از کشته شدن عثمان به امام علی (ع) نامه نوشت و تاکید کرد که خلیفه ما عثمان مظلوم کشته شد و خدا فرموده: هر کس مظلوم کشته شود ما برای ولی او قدرت قرار دادیم پس ما به عثمان و فرزندان او سزاوارتر هستیم. (ثقفی، ۱۳۷۳: ۷۰) معاویه در ابتدا به شیوه نرم فریبکارانه اعلام کرد که به دنبال خلافت نیست ولی انگیزه، باطنی او بر همه افراد آشکار بود اما در ظاهر در پی فریب مردم برآمد. او پس از جنگ جمل به زبیر نوشت که از مردم شام برای او بیعت گرفته است که زبیر بسیار خوشحال و دلگرم شد. (امین، بی تا: ۱۲/۳) ولی او با شیوه فریبکارانه خود را به خلافت نزدیک کرد؛ ابتدا خود را امیر خواند و سرانجام پس از شهادت امام علی (ع) ادعای خلافت کرد و مردم با عنوان امیرالمومنین با او بیعت کردند. (بلاذری، ۱۳۹۹: ۱۶۱/۵ و ابن منظور، ۱۹۸۸: ۲۷/۲۵)

معاویه با شیوه های فریبکارانه القابی برای خود ساخت از جمله خال المومنین " و "کاتب وحی " شاید بتواند از لقب واقعی طلقاء (آزادشدگان) رهایی یابد. "حکومت امویان به رهبری معاویه به معنی بازگشت جناح اصلی قریشی بود که زمانی از دشمنان اصلی و سرسخت اسلام بودند. او برای تثبیت خلافت خود از روش های قدرت نرم یعنی اصول دینی بهره برد و قدرت رسیدن خود را از سوی خدا می دانست زیرا همه کارها دست خداست. (ابن منظور، ۱۹۸۸م: ۸۵/۹) معاویه خلافت اموی را تشکیل داد و در سال ۴۰ هجری خلیفه مسلمانان گردید و تا سال ۱۳۲ هجری این خلافت توسط جانشینان او ادامه یافت. خلفای اموی برای رسیدن به اهداف سیاسی و حکومتی خود از سیاست های گوناگونی که حکایت از قدرت نرم داشت بهره بردند و از این طریق توانستند حکومت خود را تثبیت، حفظ و ادامه دهند. امویان برای اقناع و تصویر سازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی و مخاطبان خود با به کارگیری ابزارهای سیاسی، فرهنگی و دینی نرم سعی بر تاثیر گذاری بر افراد داشتند که این تاثیر گذاری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم صورت می گرفت.

## روش های نرم سیاسی و فرهنگی امویان بازگشت به قدرت با حرکت خزنده و لاکپشتی

امویان که قبل از ظهور اسلام در مکه از جایگاه ممتازی برخوردار بودند؛ هنگام ظهور اسلام با پیامبر (ص) مخالفت نمودند زیرا آنها از اشراف و ثروتمندان قریش بودند. ابوسفیان رهبر این گروه و یارانش از نظر مالی و جانی تا توان داشتند در مقابل اسلام مقاومت کردند و علیه اسلام اقدامات نظامی و سیاسی انجام دادند تا اینکه در فتح مکه مجبور به پذیرش ظاهری اسلام گردیدند. رسول خدا (ص) به آنها فرمود: " اذهبوا انتم طلقاء". بروید که شما آزاد شده گان هستید. (طبری، بی تا: ۳۹/۵ و نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۶۳)

اینها با انتخاب ظاهری اسلام، به دنبال بازسازی قدرت از دست رفته خود بودند تا اینکه بعد از رحلت پیامبر (ص) توسط ابوبکر فرزندان ابوسفیان، یزید و معاویه به فرماندهی لشکر اسلام در منطقه شامات برگزیده شدند. بعد از مرگ یزید بن ابوسفیان برادر معاویه در منطقه شامات او قدرت زیادی یافت که در زمان عمر این قدرت بیشتر گردید. در دوره عثمان که خودش اموی بود قدرت آنها بیش از پیش گردید به گونه ای که او در اعتراضات علیه عثمان به او کمک نکرد و از قتل او به عنوان فرصتی برای رسیدن به مطامع خودش بهره کافی برد و در نهایت به اسم خونخواهی عثمان قیام کرد. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۵۷/۴) او هرگز حاضر به بیعت با حضرت علی (ع) نشد و خود را امیر خواند. وی که سال ها روی ذهن و فکر مردم شامات کار کرد و توانسته بود بر اساس اهداف خودش آنها را با اسلام آشنا کند. سرانجام با شهادت حضرت علی (ع) و صلح با امام حسن (ع) رسماً خلافت خود را اعلام نماید و سلسله اموی را تاسیس کند.

### بهره گیری از قضا و قدر (عقیده جبر گرایی)

معاویه و سایر خلفای اموی برای رسیدن به اهداف خود از سیاست نرم که مبتنی بر اصول دینی بود بهره می بردند. بسیاری از افراد او را بنیانگذار جبر گرایی و اعتقاد به جبر و انتشار آن میان مسلمانان می دانند. (عسکری، ۱۹۷۵: ۱۲۵/۲) یکی از مسایل دینی که امویان از آن بهره می بردند مساله قضا و قدر بود او عقیده داشت که قدرتش از سوی خداست و این خواست خدا بوده که او خلیفه گردد. زیرا همه کارها دست خداوند است. (کاند هلوی، ۱۳۹۱: ۵۲۹/۳) او می گفت خلافت امری از امر خداوند و قضایی از قضای الهی هست که مردم نقشی در پذیرش آن ندارند. (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۸۵) این دیدگاه همه امویان بود.

در مورد ولایتعهدی یزید وقتی معاویه با مخالفت عایشه روبه رو شد گفت: این کار قضای الهی است و در قضای الهی کسی را اختیار مخالفت نیست. اسود بن یزید می گوید: از عایشه پرسیدم آیا شگفتی ندارد که مردم از طلقاء اصحاب محمد (ص) درباره خلافت در گیر شده اند؟ عایشه گفت چه شگفتی دارد؟ این سلطان الله است که خداوند به برو فاجری دهد، چنانکه فرعون چهار صد سال بر مصر فرمانروایی کرد. (همان: ۴۲/۲۵ و ابن قتیبه، ۱۴۱۳: ۲۰۵/۱) زمانی که زیاد بن ابیه حاکم معاویه در کوفه و بصره خطبه ی

خواند گفت: ای مردم ما سیاستمدار و مدافع شما هستیم و شما را با سلطانی که خداوند به ما داده سیاست می‌کنیم. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۳: ۱۸۰/۴)

یزید هم در خطبه ای گفت پدرش بنده ای از بندگان خدا بود که خداوند او را کرامت بخشید و خلافت را به او بخشید و اکنون نیز خداوند این حکومت را بر عهده ما نهاده است. وقتی پسر عثمان به معاویه اعتراض کرد که چرا ولایتعهدی را به یزید داده ای جواب داد این ملکی است که خداوند در اختیار ما قرار داده است (دینوری، ۱۹۶۰م: ۲۲۶ و ابن قتیبه، ۱۴۱۳: ۲۱۴/۱ - ۲۲۵) در مجلس عبیدالله بن زیاد که اسرای کربلا حاضر بودند او به حضرت زینب (س) خطاب کرد آنچه خدا با برادر و خاندان کرد چگونه دیدی؟ حضرت جواب داد که جز زیبایی چیز دیگری ندیدم... (سید بن طاووس، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

### سب و لعن مخالفین (حضرت علی (ع))

از روش‌ها و سیاست‌های نرم معاویه در ادامه خلفای اموی در طول خلافت خود به طور منظم از آن بهره می‌برد حذف چهره حضرت علی (ع) از جامعه اسلامی بود. آنها حضرت را فردی جنگ طلب، خون ریز و مشابه اینها معرفی می‌کردند. حضرت علی (ع) از زمان رسول خدا (ص) تا دوران خلافت پنج ساله اش نزد مردم دارای ابهت و عظمت خاصی دارا بود طوری که خطبه‌های او را سینه به سینه نقل می‌کردند و تحسین همگان را برانگیخته بود و عده ای تا مرز شهادت حاضر بودند این محبت را حفظ و نگه داری نمایند.

امویان که این مطلب را به خوبی درک کرده بودند تصمیم گرفتند که چهره حضرت علی (ع) را مخدوش نمایند و در هر محفل و مجلسی او را لعنت نمایند و از او اظهار تنفر و بی‌زاری نمایند. لذا اقدام به جعل احادیثی در ذم امام علی (ع) نمودند که ابن ابی الحدید با بی‌تحت عنوان احادیثی که معاویه با تحریک عده ای از صحابه و تابعین در ذم علی جعل کرده را در کتابش بیان نموده است. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۶۳/۶)

زمانی از روان حکم پرسیدند چرا حضرت علی (ع) را سب و لعن می‌کند، جواب داد با این سیاست یعنی سب امام علی (ع) اصل حاکمیت بنی امیه مستقیم و بلا اشکال می‌ماند. (بلاذری، ۱۳۹۹: ۱۸۴) سب ولعن امام علی (ع) به صورت یک متداول که از زمان معاویه آغاز شده بود در تمام مجالس و خطبه‌های نماز جمعه ادامه یافت. همه خلفای اموی این مساله را رعایت و مورد تاکید قرار می‌دادند تا اینکه در زمان عمر بن عبدالعزیز رسماً توسط خلیفه اعلام گردید که متوقف شود. (سیوطی، ۱۳۷۱: ۲۴۳) معاویه همیشه تاکید داشت که باید این سب و لعن آنقدر گسترش یابد تا کودکان با این تفکر بزرگ شده و جوانان با آن پیر شوند و هیچکس از او فضیلتی نقل نکنند. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۵۷/۴)

علاوه بر اینها او به کمک عالمان دین فروش احادیثی علیه حضرت علی (ع) جعل کردند تا بیشتر چهره او را مخدوش نمایند. ابوهریره حدیثی در مورد حادثه آفرینی در یمن است؛ جعل کرده و می‌گفت مصداق آن حضرت علی (ع) است و پیامبر (ص) نیز بر کسی که چنین کند لعنت فرستاده است. (ابن شاذان



، بی تا: ۲۱۰-۲۱۱) سمره بن جندب ۴۰۰ هزار درهم از معاویه گرفت و اعلام کرد که آیه "ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله" درباره ابن ملجم است و آیه "من الناس من یعجبک توله فی الحیات الدنیا... و هو الدالخصام در باره علی (ع) نازل شده است. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۳۶۱/۱)

ابن ابی الحدید تعدادی از عمال معاویه را نام می برد که مامور شدند در شهرها علیه علی (ع) احادیثی نقل و میان مردم منتشر سازند از جمله: ابوهریره، عمروعاص، مغیره بن شعبه و عروه بن زبیر. (همان: ۶۳/۴) امویان احادیث زیادی در فضایل صحابه جهت تقرب به بنی امیه می ساختند در مقابل حدیث اخوت علی (ع) با رسول (ص) حدیث جدیدی ساختند که پیامبر (ص) فرمود اگر خلیلی برای خود انتخاب می کردم همانا ابوبکر، چنانچه در برابر حدیث سدا ابواب حدیث خوف را ساختند. (همان: ۴۹/۱۱)

### بذل و بخشش از بیت المال

امویان برای حفظ قدرت و حاکمیت خود از هر سیاستی بهره بردند. از سیاست های نرم آنها جهت قانع کردن مردم و همراه کردن آنها با خود بذل و بخشش مالی و ثروت بیت المال مسلمین بود. امویان وقتی که به قدرت رسیدند سیاست مالی آنها با دوره های قبل تفاوت زیادی پیدا کرد. این سیاست ها را معاویه شروع کرد و در ادامه توسط جانشینان او ادامه یافت. او پس از اینکه آرامش را در قلمرو خود برقرار نمود به دستگاه مالی و جمع آوری ثروت و درآمد از هر راهی اقدام نمود و به تقویت پایه های مالی حکومت پرداخت و مانند سلاطین گذشته در راه کسب پول و درآمد بیشتر اقدام کرد (ابن طقطقی، بی تا: ۱۴۷) و زیدان، ۱۳۷۳: ۶۳۹/۴

او و جانشینانش به خوبی می دانستند که برای استحکام پایه های سلطنت خود باید به هر کاری دست بزنند به همین دلیل به دادن رشوه و بذل و بخشش روی آوردند زیرا آنها می دانستند که مردم با دست کم هم جنسان خود تا چه اندازه بنده زر و زور هستند. در زمان امویان که همه می دانستند دستگاه مالی و خزانه دولت جزء دارایی مردم نبود بلکه خاص خلیفه وزیر نظر مستقیم او با دست و دل بازی تمام همراه با بذل و بخشش های خودشان و اطرافیانشان بود. (امیرعلی، ۳۶۶: ۱۹۲) توانستند به صورت نرم و غیر مستقیم حوادث سیاسی رابه نفع خود عوض کنند. (اجتهادی، ۱۳۱: ۱۳۶۳، طه حسین، ۱۳۳۹: ۲۵۷)

معاویه بسیاری از سران قبایل و لشکریان امام حسین مجتبی (ع) را با پول و رشوه خرید و با سپاه خود همراه کرد. او نماینده ای نزد عبیدالله بن عباس که فرمانده بود فرستاد و به او گفتند حسن بن علی از او تقاضای صلح کرده است اگر امشب به سوی من بیایی فلان مقدار به تو خواهیم داد در غیر این صورت فردا از ما تابعیت خواهی کرد. (اصفهانی، بی تا: ۴۲ و یعقوبی، بی تا: ۲۱۴/۲) معاویه به او وعده یک میلیون در هم داد که قرار شد نصف آن را همان موقع و بقیه را پس از تسخیر کوفه پرداخت کند. او قبول کرد، همراه او دو سوم سپاهش نیز با او رفتند. معاویه پیشنهاد رشوه و پول به قیس بن سعد نیز داد ولی او از

قبول رشوه امتناع کرد که معاویه او یهودی پسر یهودی نامید. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۱۶/ ۴۲: اصفهانی، بی تا: ۴۲-۴۳ و شیخ مفید، بی تا: ۱۷۰)

یزید بن معاویه در مسایل مالی بسیار ولخرج و بی بند و بار بود. برای اهداف سیاسی یا شخصی خود چنان بذل و بخشش های فراوان می کرد که با روش عاقلانه قابل تطبیق نبود. او به عبدالله بن حنظله و هیأت اعزامی مردم مدینه به شام مبالغی به عنوان بخشش و دل جوئی پرداخت ولی عبدالله این کار یزید را سفیهانه قلمداد کرده و مردم مدینه را علیه او بسیج نمود. (طبری، ۱۴۰۸: ۵۲۴۲)

عبدالملک مروان برای تسلیم کردن زبیری ها به سیاست بذل و بخشش روی آورد و مردم عراق که می دانستند ابن زبیر خسیس هستند و در مقابل بذل و بخشش عبدالملک را دیدند به مصعب بن زبیر پشت کردند. (ابن عبدربه، ۴: ۴۱۰/۱۴۰۳) هشام بن عبدالملک در قبال فتوهای ابن زهری که در جهت سیاست های خلیفه صادر می کرد وام های سنگین او را پرداخت کرد و مبالغ زیادی به او بخشیده شد. حجاج بن یوسف در بخشش مال دست و دل باز بود و شاید دلیل موفقیت او در عراق همین بود که رقیب را با بخشش پول و مال از میدان به در می کرد. اموالی که متعلق به خودش نبود بلکه از کیسه مردم خرج می کرد. (ذهبی، ۱۳۷۴: ۱۶۲/۲) البته قبل از هشام برادرانش نیز کمک های مالی زیادی به ابن زهری کرده بودند. (ابن حیان، بی تا: ۴۰/۱)

امویان که به مبانی اسلام پایبند نبودند از اموال عامه در راه تطمیع و جلب تأیید مردم به خوبی استفاده می کردند و از این طریق به راحتی می توانستند موقعیت خود را تثبیت نمایند، این از شیوه ها و سیاست قدرت نرم امویان بود. آنها با رواج اشرافیگری و دنیا طلبی نوعی قدرت جدیدی به نمایش گذاشتند و توانستند با این شیوه و قدرت جدید مردم و مخالفان را جذب خود نمایند. حکومت آنها به ظاهر رنگ دینی داشت که آن هم برای ظاهر سازی و عوام فریبی بود چرا که خداوند در تفکرات آنها جایی نداشت. (فرامرزنسب، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

### جعل حدیث و استفاده از آن

ابوبکر بنا به پیشنهاد عمر به همه دستور داد که از نوشتن احادیث جلوگیری شود و دلیل آن را خلط شدن با قرآن دانستند. به همین جهت کسانی که به احادیث علاقه مند بودند فقط می توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران انتقال دهند. این شیوه اشکالات متعددی داشت از جمله خطا و اشتباه در نقل احادیث افزایش می یافت و فرصت مناسبی برای جاعلان احادیث فراهم می نمود که براساس اهداف شخصی به جعل یا تحریف احادیث بپردازند یا اینکه به نفع حاکمان خود از نقل بعضی احادیث خود داری کنند.

در دوره امویان تحریف، جعل و استفاده ابزاری از احادیث بسیار رونق گرفت زیرا حاکمان اموی در راس آنها معاویه برای بقای حکومت خود از این سیاست نرم به خوبی بهره مند شدند. آنها در این راستا چند هدف داشتند اولاً احادیثی در منزلت و منقبت خود جعل نمودند تا جایگاه یابند. ثانیاً با جعل احادیث

سعی در کوبیدن و تخریب رقبای خود داشتند. ابن ابی الحدید معتزلی احادیث مربوط به ذم علی (ص) که با تحریک معاویه عده ای از افراد آنرا جعل نموده اند را در کتاب خود ذکر نموده است. (ابن ابی الحدید بی تا: ۶۳/۴) امویان سعی می کردند جهت تحقیر حضرت علی (ع) و اهل بیت (ع) با جعل احادیثی خلفای دیگر را بر او برتری و ترجیح دهند و این سیاست در طول دوره حکومت امویان ادامه یافت به گونه ای که خلفا و صحابه ای که با آنها موافق بودند به صورت قهرمان در آمدند و اهل بیت (ع) تخریب شدند. (امین ، بی تا : ۲۱۳)

از کارهای نادرست معاویه و امویان این بود که احادیث حضرت علی (ع) را به خود یا دیگران نسبت می دادند و گاهی دیگران نیز احادیث علی (ع) را به معاویه نسبت می دادند تا جایی که جاحظ متوجه این قضیه شده و اشاره می کند که معاویه سرو کاری با زهاد ندارد و نسبت دادن احادیث به او تکذیب می کند. (حافظ ، ۱۳۸۰: ۶۱/۲)

نمونه یکی از احادیثی که مربوط به امام (ع) است ولی به معاویه نسبت داده اند این حدیث می باشد

ما رأیت سرفاً الا الی جانبها حق مضیع. (سیوطی ، ۱۳۷۱: ۲۴۷) موارد دیگری است که احادیث حضرت علی (ع) به افرادی دیگر نسبت داده اند. (میدانی ، بی تا : ۶۵۱/۱ و ثقفی ، ۱۳۷۳ : ۱ / ۲۵۱)

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او بعد از دوران عثمان وارد دستگاه معاویه و امویان گردید و توجیه کننده کارهای آنها شد. حاکمان اموی که سرگرم جمع آوری ثروت و ساختن کاخ های مجلل و با شکوه بودند. هنگامی که با اعتراض مردم مواجه شدند به کعب الاحبار روی آوردند. روزی یکی از حاکمان که گنجینه های بزرگ طلا فراهم کرده بود از او پرسید اگر کسی زکات واجب طلا و نقره را داده باشد ، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟

وی میگفت حتی اگر تک تک لقمه هایش هم از طلا و نقره باشد هیچ چیز دیگری براو واجب نیست. ابوذر صحابی بزرگ رسول خدا(ص) که در مجلس حاضر بود و می دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش های اسلام به نام اسلام از ثروتمندان و ثروت اندوزان دفاع می کند؛ از شدت خشم و بدون ترس از حاکم عصای خود را بر سر او زد و فریاد برآورد:

ای کافر تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست تر از سخن تو نیست که می

فرماید:

آنان که ز رو سیم می اندوزید و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند به عذابی دردناک بشارتشان

ده. (میرزای نوری ، بی تا : ۲۶/۷)

از کارهای عالمان دربار اموی این بود که احادیث علمای عراق را تکذیب می کردند و آنها را به عنوان جاعل حدیث معرفی می نمودند. (ابن سعد ، ۱۴۰۵: ۳۴۲/۶) دلیل عمده این کار علمای دربار اموی این بود

که احادیث حضرت علی (ع) در عراق پراکنده بود و توسط این روایان روایت می گردید که برای امویان خوشایند نبود. عالمان حدیثی که در خدمت امویان بودند شامل محمد بن مسلم بن شهاب زهری که مفتی عبدالملک بود. خواهرش می گفت احادیث برادرم را قبول نکنید زیرا او دین خود را به دنیای امویان فروخته و برای آنها کار می کند. (بلاذری، ۱۳۹۹: ۲۶/۱) سمره بن جندب و ابوهیره در خدمت بنی امیه در عرصه حدیث و روایت بودند و برای آنها حدیث سازی و جعل روایت می کردند. (شرف الدین، بی تا: ۴۲-۴۵) عوانه بن حکم که عثمانی الهوی لقب داده اند در حدیث سازی امویان نقش داشت و بر جبرگرایی تاکید زیادی داشت. (مصطفی شاکر، ۱۹۸۳: م: ۱۷۳/۱) ابراهیم نجفی محدثی بود که در خدمت آل مروان فعالیت می کرد و از آنها هدایائی دریافت می کرد. (ذهبی، ۱۳۷۴: ق: ۷۲/۱)

افراد دیگری مانند ابوزناد، شعبی، رجاء بن حیوه، ابوبرده فرزند ابو موسی اشعری بودند که در جعل حدیث و روایت سازی جهت خواسته های امویان فعالیت می کردند و به عنوان ابزاری خود و علمشان در اختیار امویان بودند. این عالمان حدیث وظیفه داشتند که موقعیت امویان و قریش در میان اعراب تحکیم بخشند و تبعیض امویان در برتری عرب بر عجم را توجیه نمایند که سلیمان بن عبدالملک دستور داد هرکس به قریش ناسزا گوید شلاق بزنند (زمخشری، بی تا: ۱۳۵/۱) حدیث سازی و جعل روایت به نفع امویان و علیه مخالفان در عصر امویان ابزاری بود که نهایت بهره برداری را از آن کردند و مانند قدرتی نرم در اختیار دستگاه خلافت اموی قرار گرفت و توانستند به وسیله آن به اهداف خود برسند.

### انتخاب دمشق به عنوان مرکز خلافت اسلامی

امویان بعد از رحلت رسول خدا (ص) در دوره ابوبکر و عمر به صورت خزنده به بازسازی خود پرداختند تا جایی که زمان عثمان قدرت زیادی یافتند. آنها از ابتدا به سمت شام رفتند و دور از مرکز خلافت سیاسی و دینی یعنی مدینه به کادر سازی و وسازماندهی خود همت گماشتند. شام یک منطقه عربی بود که قبل از اسلام تابع حکومت روم بود و از سایر مناطق متمایز بود زیرا افراد این منطقه به نیابت از حکومت روم تا حدودی رهبری عرب های دیگر را بر عهده داشتند. (مدرسی، ۱۳۷۸: ۳۵)

معاویه و خاندان اموی برای بازسازی خود دمشق و منطقه شامات را بهترین مکان تشخیص دادند زیرا این منطقه از مدینه و مکه دور بود و بنی امیه که کارنامه خوبی در برخورد با اسلام نداشتند آن را بهترین مکان جهت بازسازی و نفوذ در ارکان قدرت یافتند و شروع به جمع آوری پول و ثروت، نیرو کادر سازی و نفوذ در دل و ذهن مردم نمودند. تا آنجا در دل و ذهن مردم شام نفوذ کردند و پیش رفتند که مردم شام اگر معاویه را پیامبر نمی دانستند حداقل نصف پیامبر می دانستند. (ابن عبدالبر، بی تا: ۵۵۰/۱)

آنها با پولی که در اختیار داشتند ارتشی بزرگ از مردم منطقه شامات درست نمودند یعنی اعرابی که جنگ شغل و حرفه آنها بود و فقط برای پول و بدست آوردن غنائم می جنگیدند. امویان چنان بر قلب و ذهن مردم این منطقه تسلط یافتند که هر کاری می خواستند مردم برای آنها با جان و دل انجام می دادند.

مالک بن هبیره الیشکری خطاب به مروان گفت: ما با توبیعت نمی‌کنیم و همراه تو نخواهیم جنگید مگر به خاطر متاع دنیا؛ اگر ما آنچه را که معاویه و یزید به ما دادند، داشته باشیم تو را یاری خواهیم کرد و اگر جز این باشد پس مردم قریش مردمان بدی نیستند. نهایتاً مروان قبول کرد و آنچه که خواسته بود به او پرداخت نمود. (همان: ۳۶)

امویان می‌دانستند که مردم شام از بینش سیاسی سطحی برخوردار هستند و آگاهی زیادی از اسلام ندارند و این برای امویان بهترین فرصت و بهره بود تا آنچه که خودشان می‌خواستند به آنها قالب کنند. بینش سطحی مردم شام به چند دلیل بود: اولاً مرکز خلافت اسلامی دور بودند. ثانیاً دشواری راه‌ها و کمی ارتباطات ثانیاً اطلاعات غلطی که امویان در مورد حقیقت اسلام به آنها داده بودند. حضور طولانی مدت معاویه قبل از خلافتش در منطقه شامات و سوریه و آماده سازی مردم دلیل دیگری بر انتخاب دمشق به عنوان مرکز خلافت حکومت اموی بود. این ویژگی سیاست و قدرت نرمی بود که امویان دور از چشمان صحابه واقعی پیامبر (ص) توانستند نزدیک یک قرن بر جهان اسلام حکومت نمایند و به اهداف و خواسته های خود دست یابند. عمرو بن عاص می‌گوید: تا به حال مردمی ندیده بودم که مثل مردم شام از معاویه اطاعت کنند. (مسعودی، بی تا: ۳۲/۳) معاویه بر اساس یک حرکت نرم مرکز خلافت اسلامی را به دمشق انتقال داد و حتی سعی نمود که منبر رسول خدا (ص) از مدینه به شام منتقل کند. (بلاذری، بی تا: ۴۳/۵)

### نتیجه گیری :

بنی امیه از سیاست های گوناگون در دوره خلافت خود بهره مند شدند. آنها با توجه به شرایط زمانی و مکانی با مردم، طوایف و افراد مختلف در مناطق گوناگون مملکت اسلامی برخورد می نمودند. قدرت نرم مصطلح امروزی در دوره امویان معروف نبوده است ولی سیاست هایی که آنها به کار می بردند با تطبیق آن به شرایط امروز می توان از آن به قدرت نرم تعبیر کرد.

امویان از سیاست های نرم سیاسی و فرهنگی برای غلبه بر رقبای خود استفاده می کردند. بیشتر موفقیت های آنها بهره گیری از این سیاست های نرم سیاسی و فرهنگی بود. در حوزه سیاست های نرم فرهنگی به خوبی از احساسات دینی و مذهبی مردم استفاده کردند مانند مساله قضا و قدر، جبر و اختیار، جعل حدیث و روایت سازی به نفع خود و همراه کردن علمای درباری با خود.

آنها در حوزه سیاسی نیز سیاست های نرم به کار گرفتند و توانستند از این طریق از یک طرف چهره بسیاری از رقبای خود تخریب نمایند و از طرف دیگر برای خود نزد مردم آبرو و اعتباری کسب نمایند. مانند بازگشت خزنده و لاک پشتی به قدرت بعد از مخالفت های جدی و تمام قد با اسلام، به منطقه دوردست شامات و دمشق رفته دوباره خود را بازسازی کرده و به قدرت بازگشتند. با بذل و بخشش های فراوان از بیت المال سیاسیون و افراد ذی نفوذ را با خود همراه نمودند. هرکسی را که نمی توانستند با بذل و بخشش

با خود همراه کنند در جامعه مورد سب و لعن قرار می دادند و او را ترور شخصیت می نمودند تا او از چشم مردم بیافتد .

### منابع و مأخذ

- ابن ابی الحدید (۱۳۷۸) شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهره بی تا.
- ابن اثیر، (۱۹۹۴م) الکامل فی التاریخ، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
- ابن اعثم کوفی (۱۳۹۳) الفتوح، حیدرآباد، بی چا.
- ابن حبان بستى، (بی تا) المجروحین، تحقیق ابراهیم زاید، دمشق: دارالوعی
- ابن سعد، محمد (۱۴۰۵) الطبقات الكبرى، بیروت: دارصادر.
- ابن شاذان، فضل بن شاذان (بی تا) الايضاح، طبع دانشگاه تهران و طبع بیروت، تهران انتشارات امیر کبیر.
- ابن عبدالبر، احمد بن محمد (بی تا) بهجه المجالس، الدار المصریه للتالیف و الترجمة، قاهره، مصر.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق) العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن قتیبه (۱۴۱۳) الامامه و السیاسه، معروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، قم: افسست منشورات رضی.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی تا) مقاتل الطالبین، قم: منشورات رضی
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۹۶۳م) الاغانی، قاهره: وزارت الثقافه
- امیر علی، ۱۳۶۶، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخر داعی گیلانی: تهران، نشر گنجینه
- امین، سید محسن (بی تا) اعیان الشیعه، بیروت دارالتعاریف
- امین، احمد (بی تا) فجر الاسلام، قاهره: مکتبه النهضه المصریه
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۹) انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت، لبنان.
- بلاذری، احمد بن یحیی (بی تا) انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، مکتبه المثنی، بغداد، عراق.
- توحیدی، ابو حیان (بی تا) الامتاع و المونسه، تحقیق احمد امین و احمد الزین، بیروت، دارمکتبه الحیاه
- ثقفی، ابواسحاق (۱۳۷۳) الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد و اسلامی.
- حافظ، ابو عثمان عمرو (۱۳۸۰) البیان والتبیین، تحقیق عبدالسلام هارون قاهره مکتبه الخانجی .
- حافظ، ابو عثمان عمرو (۱۹۸۹م) الرسائل السیاسیه، تحقیق ابو ملحم، بیروت، بی تا.
- دینوری، ابوحنیفه، (۱۹۶۰م) اخبار الطوال، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه.

- ذهبی ، محمد ابن احمد (۱۳۷۴م) تذکره الحفاظ ، بیروت : داراحیاء التراث العربی.  
زمخشری ، جارالله (بی تا) الفائق فی غریب الحدیث ، قاهره: مطبعه الحلبی.  
سبحانی ، جعفر(۱۳۸۵) فروغ ابدیت ، قم؛ بوستان کتاب .  
سید بن طاووس (۱۳۸۹) لهوف ، ترجمه محمد اسکندری ، انتشارات پیام عدالت ، تهران.  
سیوطی ، جلال الدین (۱۳۲۱) تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید قاهره مصر.  
شرف الدین (بی تا) ابوهزیره ، بیروت : دارالتعارف.  
شیخ مفید (بی تا) الارث ، قم : مکتبه بصیری.  
طبری ، محمد بن جریر(۱۴۰۸) تاریخ طبری ، تحقیق : محمد ابوالفضل ابراهیم ، مصر : دار المعارف.  
طه حسین،(۵۳۳۹ه) آئینه اسلام ، ترجمه محمد ابراهیم آیتی ، تهران : شرکت سهامی  
عبدالجبار ، قاضی (بی تا) تثبیت دلائل النبوه ، تصحیح عبدالکریم عثمان ، بیروت ، الدار العربیه.  
عسکری ، ابی هلال (۱۹۷۵م) الاوائل ، انتشارات دمشق ، سوریه .  
فرامرزنسب و همکاران ، رضا (۱۳۹۳) پیامدهای مالیات و درآمدهای نامشروع بر اقتصاد عصر اموی  
پژوهشنامه تاریخ ، سال نهم ، شماره ۳۵.  
کاندهلوی (۱۳۹۱) حیاة الصحابه ، حلب : دارالوعی، سوریه.  
لکزایی ، نجف (۱۳۸۹) کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه ، فصلنامه مطالعات راهبردی  
، شماره ۴۹.  
محمدعلی بن طباطبا: ابن طقطقی (بی تا) تاریخ الفخری ، ترجمه محمد وحید گلپایگانی.  
محمدی ، منوچهر (۱۳۸۷) منابع قدرت مردم ، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران ،  
پانزده خرداد.  
مدرسی ، محمد تقی ، ۱۳۷۸، امامان شیعه و جنبش های مکتبی ، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد:  
بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.  
مسعودی ،(بی تا) مروج الذهب ومعادن الجوهر، دارالاندلس، بیروت، لبنان.  
مصطفی شاکر (۱۹۸۳م) التاريخ العربی و المورخون ، بیروت : دارالعلم للملایین.  
میدانی (بی تا) مجمع الامثال ، بیروت ، دارمکتبه الحیاة.  
میرزای نوری (بی تا) مستدرک الوسائل ، بی تا ، قم  
نای ، جوزف (۱۳۸۹) قدرت نرم ابزار های موفقیت در سیاست بین الملل ، ترجمه سید محسن  
روحانی و مهدی ذالفقاری ، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).  
نصرین مزاحم منقری (۵۱۴۰۴) وقعه صفین ، تحقیق عبدالسلام هارون، افسست قم : مکتبه آیه الله  
مرعشی.

واقدی ، محمد بن عمر (۱۴۰۹) المغازی ، تحقیق مارسدن جونس ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات .

یعقوبی ، ابن واضح (بی تا) تاریخ یعقوبی ، بیروت : دارصادر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی